

چرا مسعود پزشکیان؟



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

سه‌شنبه شب هفته گذشته بنا بر یک رسم قدیمی به جمع دوستان صمیمی اصلاح‌طلب که از حسن اتفاق اکثر آنان از فعالان شاخص ستادی دکتر مسعود پزشکیان در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری نیز بودند، رقتم و به رسم همیشه بعد از فوتسال، گندهای گرفتیم و چند دقیقه‌ای راجع به تحولات روز حرف زدیم. مهم‌ترین موضوع مورد بحث بعد از تحولات اخیر و خروج دو عضو موثر کابینه و سوال پرتکرار این بود که «چرا مسعود پزشکیان؟». برای کسانی که از جان برای پیروزی پزشکیان مایه گذاشته بودند، اصل طرح این سوال، آن‌هم فقط شش ماه بعد از روی کار آمدن دولت‌وفاق ملی، خودسوال برانگیز و به‌مثابه جرقه‌ای بود که خمیرمایه، نگارش این نوشتار شد.

نزدیک به ۹ ماه پیش اگر با چنین سوالی مواجه می‌شدم، بی‌مکث و هیچ طمأنینه‌ای با ردیف کردن کلی پارامتر و گزاره و گزینه، بی‌هیچ شک و شبهه‌ای، حکم به ضرورت انتخاب مسعود پزشکیان به‌عنوان نهمین رئیس‌جمهوری ایران می‌دادم و همه سعی و توان خود را مصروف تحقیق آن می‌کردم که چنین هم شد و در کنار یکدیگر کاری کارستان رقم زدیم. مسعود پزشکیان در طول حیات سیاسی خود اهل هیچ حزب و تشکیلات و گنده سیاسی نبود (متعقدم کارکرد احزاب در ایران موسمی و مقطعی و در قالب گنده‌ای رفاقتی است تا ساختارهای کلاسیک حزبی). اما آنچه اجماع حداقلی را معطوف و متمرکز به شخصیت و کاراکتر انتخاباتی او کرد، به چند گزینه و گزاره بازمی‌گشت. شخصیت متحصربه‌فرد او در میان عموم سیاستمداران از طیف‌های مختلف و حداقل به شکل اخص در میان نامزدهای انتخابات، او نه‌فقط اهل سخنوری‌های پرطمطراق، بر خوردار از پرتسبب یک سیاستمدار اتوکشیده و کلاسیک و به زبان ساده کاربزماتیک نبود؛ که بالعکس آنچه به اذهان عمومی از شخصیت خود متبادر می‌کرد، سادگی، شفافیت و صداقت و مهربانی بود که در این سن و سال از بسیاری از مردمان کوچک و بازار سراغ داشتیم و برایمان آشنا بود و او را تبدیل به نماد سیاستمداری از جنس مردم عادی نه خواص سیاسی کرده بود. مردی که اگر خوش لباس نبود؛ اما همواره از حق‌گویی سخن می‌گفت. اهل دعوا نبود و کاراکتر جذاب و هیجانی نداشت؛ اما برای مردم خسته و تشنه از عدالت سخن می‌گفت. تحصیل‌کرده و متخصص بود، اما خود را نافته‌جدا یافته نمی‌دید و از انصاف دم می‌زد.

به‌رغم همه رقبا و حتی بسیاری از نامزدهای پیشین ادوار ریاست‌جمهوری و حتی نامزدهای حضور در مجلس، از وعده دادن پرهیز می‌کرد و حتی اصرار و پافشاری داشت که برنامه و مانیفست خاصی برای حکمرانی و حتی تغییر مدل حکمرانی ندارد و می‌خواهد یک مجری کارآمد و توانمند در رأس هرم قوه مجریه باشد. نکته‌ای که در همه ادوار قبلی منشأ بحث و جدل و آغازگر تنش و منازعه در ساخت و ساختار قدرت سیاسی بود. در مدل چندوجهی نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران، سرمنشأ اختلاف و تداخل کارکرد رؤسای جمهوری با ساختار می‌شد و انرژی و پتانسیل بسیاری را در این مملکت سوزانده بود. اکنون بعد از ۹ ماه که به آن روزها نگاه می‌کنیم؛ در واقع در وجه اجباری، شخص نامزد ریاست‌جمهوری؛ دکتر مسعود پزشکیان و شعارهای اعلامی و گفتارهای انتخاباتی او، این جذابیتهای برانگیزی و تهییج افکار عمومی را برای اجماع‌سازی و پیروزی در انتخابات نداشت؛ اما شمار زیادی از نخبگان سیاسی و بخش عمده‌ای از مردم پیرامون همین کاراکتر معمولی و غیرکاربزماتیک گردهم آمدند و به‌رغم تمامی سرخوردگی‌های چنددهه‌ای و نیز تلاطم‌های چند سال اخیر و آسیب‌های اجتماعی پیامدی و نیز فرو ریختن توهم کارکرد

سوپرفرمانی رئیس‌جمهور، ترجیح دادند که همین شخصیت و کاراکتر معمولی را با اشرف و آگاهی از تمامی تجربیات گذشته به ساختمان پاستور برسانند. البته، بخش عمده‌ای از آرای پزشکیان را نیز منوط و مربوط به وجه سلبی و «نه بزرگ» به بنیان وضعیت موجود در میان نامزدها، قلمداد می‌کنند؛ هر چند که وجه سلبی نیز در گرینش و پیروزی او بی‌تاثیر نبود، اما می‌توان گفت این رای سلبی به اندازه انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۹۶ و یا حتی با رویکرد سیاسی متفاوتش در انتخابات سال ۱۴۸۴ نبود؛ چرا که دیگر همه طیف‌ها آزمون داده بودند و او نیز بیش از آنکه نماد یک جریان سیاسی متعارض باشد، نامزد تفاهم‌مدار و مردم‌مداری جلوه‌گر بود که برای دعوا و مجادله نیامده است. به هر تقدیر، با این پیش‌فرض‌ها و برون‌نمایی‌ها نزدیک به ۹ ماه پیش در روزهای تن‌سوز گرمای تموز، مسعود پزشکیان بر مسند ریاست‌جمهوری ایران تکیه زد و پاسخ آن سوال داده شد؛ اما این روزها در چله زمستان و سرمای استخوان‌سوز آن و بعد از اولین رویارویی جدی و زورآزمایی میان دولت و رقبای سیاسی که به حذف دو مهره کلیدی کابینه انجامید و مشخص شد که حداقل روی کاغذ و در اردوگاه‌های سیاسی، پروژه «وفاق ملی» به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد و ویتترین و نمایه دولت دچار کارکرد مطلوب نیست، گویی تلنگری به ما خورد و آن سوال چند ماه پیش دوباره از گوشه ذهن مان به بحث رایج پرتکرار محافل و گنده‌های سیاسی و رسانه‌ای، تبدیل شده، که چرا مسعود پزشکیان؟ از خود و نزدیکان و اهالی فن می‌پرسیم که آیا راه را درست آمدیم؟ آیا اگر به آن روزها برگردیم، دوباره همین انتخاب را خواهیم کرد؟ آیا قرار است زود از کرده خود پشیمان شویم و آیا «وفاق ملی» توان پاسخگویی برون‌رفت از مسائل و مشکلات عدیده را دارد و می‌تواند نسخه راهبردی باشد و آیا پزشکیان باید تغییر رویکرد و نگاه بدهد و دیگرگونه از چند ماه گذشته عمل کند؟ پاسخ به تمامی این سوالات، وقت مطول و مجال وثیقی می‌طلبد.

اما من اگر بخواهم به آن سوال یک خطی پاسخ بدهم، حرقم این است که با توجه به تجربیات گذشته در دولت‌های خاتمی و روحانی و طرح هیجانی و حداکثری مطالبات و سپس یأس و ناامیدی و انفعال پیامدی و در نهایت قهر انتخاباتی، آنچه که تجربه به ما آموخته، پرهیز از افراط و تفریط و واقع‌نگری نسبت به نقش و جایگاه رئیس‌جمهوری است که اتفاقاً از آغازین لحظات ماراتن انتخاباتی مورد تأکید این نامزد انتخابات بود. ما همانگونه که در ابتدای امر می‌دانستیم پزشکیان سوپرمن و رستم و اسفندیار نیست و فقط می‌خواستیم که اوضاع لااقل از این بدتر نشود و شاید هم که کمی بهتر گردد، الان هم با همه شرایط سخت و طاقت‌فرسا چاره‌ای جز ماندن بر عهد خود آن‌هم «برای ایران» نخواهیم داشت. پذیرش حذف چهره‌هایی چون محمدجواد ظریف، فقدان کارآمدی در حوزه‌های راهبردی چون سیاست خارجی، نگاه به جلوه‌های ابرمانده و ناخوشایند از وفاق ملی، فقدان حضور متخصصان و شایسته‌سالاری وعده‌ده‌داده شده و انتصابات سوال‌برانگیز و بازتکرار حلقه‌های بسته مدیریتی و حضور چهره‌های خاص و نامنتطبی با گفتمان پزشکیان در ارکان دولت، فقدان توجه به مولفه‌های توسعه‌سیاسی و بازگشایی فرهنگی، آنگونه که انتظارش می‌رفت و سخت شدن معیشت و زندگی روزمره، یا حتی ضعف در تحقق آن چند وعده نصف و نیمه‌انتخاباتی، البته کار سخت و شاقی است (البته که نباید از اقدامات مثبت به‌سادگی گذشت). اظهارمن‌الشمس است که بدون تصاعد در مطالبات و انتظارات و با نگاه منطقی هم اقدامات دولت آن کارآمدی و چشم‌انتظار مثبت را به اذهان متبادر نمی‌کند؛ اما اصلاح‌طلبی به تعبیر مروج عزت‌الله سبحانی گاه از گلوله خوردن هم سخت‌تر است و قطع به یقین آنانی که بعد از همه مخاطرات ربع قرن اخیر پای صندوق رای آمدند، به مر حله‌ای از بلوغ و آگاهی رسیده‌اند که از معبر و مفر صندوق رای به دنبال تغییر وضعیت موجود به سمت آینده مطلوب باشند و نیک می‌دانند که چاره‌ای جز حرکت تدریجی و گام‌به‌گام برای عبور از این مسیر پرسنگ‌سلاخ نه‌ممکن و میسر و نه‌مطلوب و سنجیده است. حال یکبار دیگر آن سوال اصلی این نوشتار را در ذهن خود مرور کنید.

با انتقاد از مواضع اخیر ایالات متحده و اروپا درباره ایران

رهبری: مسئله آمریکا فقط هسته‌ای نیست

است و باید به‌طور جدی به دنبال اصلاح آن بود». ایشان، نقش تحریم‌ها در ایجاد مشکلات اقتصادی را «انکار ناپذیر» دانستند و در عین حال افزودند: تحریم عامل بخشی از مشکلات است اما همه مسئله، تحریم نیست و برخی چالش‌ها ارتباطی به تحریم ندارد. آیت‌الله خامنه‌ای در بیان برخی رویکردها و اقدامات لازم برای حل مسائل اقتصادی، انسجام درونی دستگاه‌ها چه در درون دولت و چه همکاری سه قوه با یکدیگر را جزو مهم‌ترین اولویت‌ها برشمردند و گفتند: شرط اول پیشرفت امور انسجام است که امروز خوشبختانه انسجام خوبی در سطوح بالا وجود دارد که باید در بدنه و سطوح پایین نیز جریان یابد.

ایشان با تأکید بر تأثیر اساسی «سرعت عمل» در مسائل اقتصادی، از کندی و فاصله زیاد بین فکر و ایده تا تصمیم‌گیری و اجرا و ثمردهی تصمیمات انتقاد کردند و افزودند: «این مشکل عمدتاً ناشی از پیگیری نکردن درست امور است و به همین دلیل یکی از توصیه‌های همیشگی ما به رؤسای جمهور و مسئولان محترم، پیگیری، نظارت و رها نکردن کار در مراحل مختلف است». رهبری وجود این تلقی در برخی مدیران را که «بی‌خطرترین کار، تصمیم‌نگرفتن است»، «خطرناک» دانستند و گفتند: «اینکه مدیری از ترس بقیه‌گیری و مچ‌گیری بخاطر تصمیماتش، تصمیم نگیرد، کاری غلط و مورد مؤاخذه پروردگار است؛ چرا که خداوند علاوه بر فعل، از ترک فعل هانیز سؤال و حساب‌کشی می‌کند». آیت‌الله خامنه‌ای عامل مؤثر دیگر در حل مشکلات اقتصادی را «شناخت مسئولان از ظرفیت‌های کشور» خواندند و افزودند: «مگر گفته می‌شود که کشور از ظرفیت‌ها و استعدادهای فراوانی برخوردار است؛ اما به عمق این مسئله توجه نمی‌شود». ایشان، جوانان و خلافت‌ها و نوآوری‌های حیرت‌انگیز آنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، علمی و پژوهشی و همچنین پیشرفت در علم و فناوری را از ظرفیت‌های بزرگ کشور دانستند و گفتند: «ظرفیت مهم دیگر، منابع طبیعی ما از جمله نفت و منابع معدنی است که جزو برترین و غنی‌ترین منابع طبیعی دنیا است و بسیاری از این منابع هنوز کشف و بهره‌برداری نشده است». رهبری مشکل «قاچاق دوسویه» را از دیگر مشکلات و عوامل مضر اقتصادی برشمردند و افزودند: «اینکه ما در مسئله مبارزه با قاچاق، سرعت تصمیم‌گیری و اجرا، پیگیری کارها و استفاده از ظرفیت‌ها حرکت جدی نکنیم؛ ربطی به تحریم‌ها ندارد». اولویت دیگری که رهبری در زمینه مسائل اقتصادی

گروه خبر: مقام معظم رهبری دیروز در دیدار سران قوا و جمع زیادی از کارگزاران و مدیران رده‌های مختلف کشور، گفتند: «انسجام و همکاری قوا و همه سطوح مسئولیتی، اصلاح نظام ارزی، حفظ ارزش پول ملی، حمایت همه‌جانبه از تولید و سرمایه‌گذاری، سرعت عمل در تصمیم‌گیری و اجرا و به‌ثمر نشستن طرح‌ها، پرهیز از بی‌تصمیمی و رها شدن کارها و مبارزه جدی با قاچاق، در دستورکار همه مسئولان و دستگاه‌ها قرار گیرد». آیت‌الله خامنه‌ای با تشکر از «سخنان خوب و مفید رئیس‌جمهور»، «انگیزه و احساس مسئولیت او» را «بسیار ارزش» دانستند و افزودند: «تأکید آقای پزشکیان بر اعتماد به پروردگار و توانایی انجام کارهای بزرگ، کاملاً راهگشا است و آن‌شاء‌الله رئیس‌جمهور در فاصله‌ای نه‌چندان دور، انجام شدن طرح‌های بزرگی را که در این دیدار بیان کرد، به مردم مژده خواهد داد و ملت را خوشحال خواهد کرد». رهبری با اشاره به «رسوایی تمدن غربی به علت اقدام غربی‌ها در استعمار، چپاول منابع ملت‌ها، کشتارهای وسیع، ادعاهای دروغین درباره حقوق بشر و زن و معیارهای دوگانه در قبال مسائل مختلف»، تأکید کردند: «گردش آزاد اطلاعات در غرب دروغی بیش نیست، همچنان که در فضای مجازی متعلق به غرب امکان نام بردن از سردار سلیمانی، سیدحسن نصرالله، شهید هنیه و برخی نامداران دیگر وجود ندارد و نمی‌توان به جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین و لبنان اعتراض کرد». ایشان «دروغ‌های رسانه‌های غربی درباره اوضاع ایران» را یادآور شدند و گفتند: «در کدام‌یک از این رسانه‌ها از پیشرفت‌های علمی، اجتماعات بزرگ‌مردمی و موفقیت‌های ملت و نظام اسلامی حرفی زده می‌شود؟ در حالی که نقطه‌ضعف‌ها رده برابر بزرگی می‌کنند». ایشان «سربلندی هر چه بیشتر ملت» را «با وجود همه تبلیغات منفی بدخواهان ایران»، «یک واقعیت» خواندند و گفتند: «اگر مسئولان نظام با حفظ هویت و شاکله نظام، راه صحیح را بروند و همین برنامه‌هایی که رئیس‌جمهور بیان کرد، اجرایی شود، کشور و ملت بزرگ ایران عزیزتر می‌شوند و می‌توانیم الگویی برای ملت‌ها و حتی دولت‌مردان بعضی کشورها بشویم». آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان‌شان با اشاره به وجود مشکلات اقتصادی از ابتدای دهه ۹۰ تاکنون، هدف اغلب تهدیدهای دشمن از جمله تهدیدهای امنیتی و اطلاعاتی را «تأثیرگذاری بر معیشت مردم» خواندند و گفتند: «هدف آنها این است که جمهوری اسلامی نتواند از عهده اداره معیشت مردم برآید؛ بنابراین، مسئله معیشت بسیار مهم

ذخایر نفت و گاز را با شرایط بهتری در بازارهای جهانی عرضه خواهیم کرد. این موضوع، هم درآمد ارزی کشور را افزایش می‌دهد و هم به

پایداری اقتصادی کمک می‌کند». پزشکیان به فشارهای خارجی و تلاش آمریکا برای محدود کردن صادرات انرژی ایران نیز اشاره کرد و گفت: «حالا آمریکایی‌ها، ترامپ یا هر کس دیگری که ادعا دارد می‌تواند ایران را زمین‌گیر کند و تلاش می‌کند که صادرات سوخت و نفت ما را به صفر برساند، باید بداند که اگر ما دست به دست هم بدهیم، بر اساس یک منطق علمی و با مشارکت داخلی عمل کنیم، هیچ‌کدام از این تهدیدها اثر نخواهد داشت. بارها و بارها گفته‌ام و باز هم خواهیم گفت که دشمنان ایران امیدشان به اختلافات داخلی ماست. اگر ما در داخل کشور وحدت داشته باشیم و فرصت پیدا کنیم که مسیر توسعه را به درستی طی کنیم، هیچ فشاری از بیرون نمی‌تواند مانع پیشرفت ما شود». پزشکیان با اشاره به اهمیت تمرکز بر راه‌حل‌ها به‌جای مقصر دانستن یکدیگر تصریح کرد: «اما به دنبال این نیستیم که بگوییم مقصر کیست، مسئله این است که مشکل چیست و چگونه باید آن را حل کنیم. برخی می‌گویند که ما برنامه نداریم، اما برنامه‌ریزی به این سادگی نیست که بتوان یک‌شبه برای هر بخش نسخه مشخصی ارائه داد. در حوزه‌هایی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، نفت و گاز، صنعت، تجارت و ارتباطات، برنامه‌های متعددی تدوین شده است». پزشکیان با انتقاد از روند طولانی تصمیم‌گیری‌ها در کشور گفت: «مقام معظم رهبری فرمودند که برخی پروژه‌ها چهاررساله و شش ساله ارائه شده‌اند، اما هنوز نتوانسته‌اند برای آن‌ها تصمیم بگیرند. بالاخره مسئله خیلی پیچیده نیست، یا می‌خواهیم در یک حوزه مثل گاز، نفت، معدن یا ذخایر طبیعی اقدام کنیم، یا نمی‌خواهیم. اگر قرار است کاری انجام شود، اینکه چهار، شش یا حتی ده سال فقط برای تصمیم‌گیری زمان صرف شود، قابل قبول نیست». پزشکیان با قدردانی از تمام بخش‌هایی که در مدیریت انرژی و منابع کشور نقش داشته‌اند افزود: «خداقوت می‌گویم به همه عزیزانی که در مجموعه نفت، وزارت نیرو و استانداری‌ها تلاش کردند و به‌کمک کردند تا از زمستان سخت امسال عبور کنیم. از صداوسیما هم تشکر می‌کنم که



افشاگری سخنگوی هیئت رئیسه مجلس در مورد استیضاح وزیر اقتصاد:

به موضوع فیلترینگ ورود کرد و روی FATF تمرکز داشت

به خرج نداد. او توهین کرد به همکاری که با استدلال و منطق داشت عملکرد او را نقد می‌کند. ایرادات هم ایرادات بجایی بود. مجلس دست به یک استیضاح اصولی زده بود.»

گودرزی گفت: «تاکیدی کم که یکی از غیرسیاسی‌ترین استیضاح‌های مجلس بود. یکی از ایرادات اساسی همتی این بود که در مقام وزیر اقتصاد به مباحثی ورود می‌کرد که اصلاً شأن ورود نداشت. به توجیه ربطی دارد موضوع فیلترینگ، مگر فیلترینگ در کشور مسئول ندارد؟ متأسفانه او به جای اینکه تمرکزش را روی خلق ثروت، ایجاد فرصت‌های جدید و شناسایی ظرفیت‌ها بگذارد، روی بحث FATF تمرکز داشت.»



گروه خبر: پس از استیضاح و کنار گذاشتن وزیر اقتصاد با رای نمایندگان مجلس، توجه‌ها به حواشی و علت‌های این برکناری بیشتر جلب شده است. روز گذشته گفت‌وگویی از سخنگوی هیئت رئیسه مجلس با رسانه خانه اقتصاد منتشر شد که به پشت‌پرده عصبانیت نمایندگان از عبدالناصر همتی می‌پرداخت. عباس گودرزی، نماینده بروجرد گفت: «اظهارات نابجای وزیر اقتصاد درباره موضوعات غیرمرتبط با وظایفش مثل رفع فیلترینگ باعث عصبانیت نمایندگان مجلس شده بود.»

او اضافه کرد: «خود همتی هم به‌کمک استیضاح‌کنندگان آمد، کارنامه قابل قبولی را ارائه نکرد هم اینکه شکیبایی و حوصله